



۲۰۱۹/۹/۱۰



م. نعیم بارز

## جناب خلیل زاد، «توافق نامه صلح» شما، ترفند و تزویر بود نه صلح!



زلمی خلیل زاد این دیپلمات امریکایی افغان تبار جاه طلب، سطحی نگر، خیانت پیشه در حق مردم افغانستان به نمایندگی از وزارت خارجه آمریکا در امور صلح با طالبان پس از گذشت ده ماه مذاکره با سران مذکور، سر انجام که از نهایه شدن «توافق نامه صلح» خبر داد و گفت جهت امضا به رئیس جمهور دونالد ترامپ سپرده شده است. اظهار این خبر در ارگ ریاست جمهوری افغانستان نه تنها رئیس جمهور اشرف غنی و ارگ را چون انفجار بم تکان داد و نه تنها وجود صلح جویان واقعی را شعله های آتش خشم فرا گرفت بلکه تکان این بم یا موجی از یک زلزله نهایت قدرتمند کل کشور، منطقه و جهان را نیز فرا گرفت و چنان فضای مخالفت وسیع و قوی را در پی داشت که برای شنیدن استدلال و لفاظی های میان تهی خلیل زاد هیچ گوشی حاضر به شنیدن و هیچ زبانی به دفاع سخن گفتن نه جنبید.

بل عکس اولین کس آقای "مایک پمپئو" وزیر خارجه آمریکا که خلیل زاد به نمایندگی از آن وزارت و دولت آمریکا ده ماه وقت و مصارف بی لزوم را با تروریست های اجیر شده دولت پاکستان صرف نموده بود در مخالفت با آن از امضای خود به روی «توافق نامه» مذکور ابا ورزید و گذشته از اظهار نارضایتی رئیس جمهور اشرف غنی و در کل همه نخبگان و سیاسیون افغان، بخش زیادی از نخبگان آمریکا نیز از بی ارزشی و بی اعتباری متن «توافق نامه صلح» خلیل زاد با طالبان انتقاد نموده و سخن از سطحی نگری و بی مسئولیتی خلیل زاد و رئیس جمهور ترامپ در قبال مردم افغانستان و آمریکا به عمل آوردند، چنانکه تعداد نه نفر سفرای که قبلاً به نمایندگی سیاسی دولت آمریکا در افغانستان اجرای وظیفه نموده بودند و همین طور نظامی های بلند درجه آمریکا از جمله جنرال "میتس" وزیر دفاع سابق و تعداد زیاد دیگری از شخصیت های ملکی و نظامی در اعتراض از توافق نامه مذکور و به انتقاد صریح از خلیل زاد و رئیس جمهور ترامپ پرداختند، همچنان با سر و صدا بلند شدن، کنگره آمریکا از خلیل زاد خواست تا به اسرع وقت در مجلس حاضر شده به اعتراضات و سوالات نمایندگان پاسخ ارائه نماید.

اما با آنکه رئیس جمهور ترامپ از رئیس جمهور اشرف غنی و سران طالبان دعوت و خواسته بود به آمریکا آمده تا در کمپ دیوید با هم دیدار و گفتگو نمایند. مگر با آن همه عکس العمل منفی در برابر «توافق نامه صلح» و تأثیر اخیر عمل انفجار از سوی طالبان در شش درک شهر کابل که منجر به قتل یک نفر امریکایی و ده نفر دیگر گردید، رئیس جمهور ترامپ از دعوت آنها و امضای توافق نامه صرف نظر نمود که این اقدام به مثابه آب سردی بر آتش احساسات به غلیان آمده اکثریت قاطع مردم افغانستان اثر گذاشت و مورد استقبال قرار گرفت.

جای بسی تأسف است بر وضعیت و سیاست رهبران دولت امریکا که پس از هژده سال تجارب جنگ و خون ریزی با بیش از دو هزار و پنجصد نفر تلفات انسانی و صدها میلیارد دالر مصارف نظامی و ملکی و کشته شدن صدها نفر عسکر ائتلاف بین المللی و تعداد بیشماری قربانیان نظامی و افراد ملکی افغان و زیر پا گذاشتن تمام قوانین بین دول و حقوق بشر از سوی طالبان، با آنهم دولت امریکا در یک موقعیت ضعیف حاضر به مذاکره با تروریست گردید که سر انجام متن «توافق نامه صلح» میان تھی به غیر از اعتراف به شکست ننگین برای امریکا و پیروزی برای طالبان و دولت حامی آنها پاکستان چیزی دیگری در پی نداشت.

خوشبختانه با آنکه «توافق نامه» ننگین خلیل زاد با طالبان از سوی رئیس جمهور امریکا رد شده است، باز هم می خواهیم به این ارتباط به ذکر بعضی نکات بپردازیم تا اگر افغان های محترم صاحب نظر این بحث را مفید در جهت آگاهی مردم بدانند آن را به صورت دقیق و همه جانبه دنبال نمایند.

- چرا با گذشت چهل سال و هژده سال اخیر توأم به حمایت همه جانبه دولت امریکا و نیروهای ائتلاف بین المللی فعالیت های تروریستی در افغانستان مواجه به شکست نشده بالعکس رشد بیشتر در افغانستان و منطقه یافته است؟

مردم افغانستان و همه جهانیان شاهد اند که دولت امریکا در مدت هژده سال به جای آنکه پایگاه های اصلی تروریستها را در خاک پاکستان مورد حمله قرار دهد، بی جهت مردم بی گناه و بی دفاع افغانستان را از زمین و هوا مورد حمله قرار داده اند و همزمان با آغاز مذاکرات نماینده امریکا با طالبان، تروریست های طالب، داعش و غیره از کرنش و گذشت منفی خلیل زاد بر سر میز مذاکره، بیشتر از هر زمان دیگر چنان غره و گستاخ شدند که ذره ای رحم به مرد و زن و طفل بی گناه افغان نکرده بلکه جنون آمیز عملیات انفجاری را در همه شهرها و بخصوص شهر کابل به راه انداختند و کوچکترین اهمیت و ارزشی به اصول و قوانین بین دول نیز قایل نشدند، معلوم نیست که این جناب "خلیل زاد" به اصطلاح نماینده وزارت خارجه امریکا با چه اصول و منطقی به تعهدات طالبان و دولت های حامی شان باور و اعتماد کرده است؟

آیا رسیدن به همچو «توافق نامه ای» تسلیم طلبانه به مراتب بدتر از آن توافق نامه ای نبود که به اساس آن دولت شوروی نیروهایش را از افغانستان بیرون نمود و دولت امریکا به حمایتش از مردم افغانستان پایان داد که در خلاء قدرت و نبود یک دولت ملی و کارا، جنگ های داخلی خونبار و ویرانگر صورت گرفت و سر انجام سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن بر اوضاع مسلط شد و از آنجا ویرانی برج های نیویارک را برنامه ریزی و عملاً به راه انداخت که در اثر آن سه هزار امریکایی جان های شان را از دست دادند و صد ها میلیارد دالر خساره ویرانی به دولت و مردم امریکا وارد گردید؟

زلمی خلیل زاد در پرتو «صلح خود با طالبان» چنان تعریف های کاذب از صلح و آرامی سخن می زد که بعضی کسانی مثل **داکتر عبدالله عبدالله و همکاران نزدیک وی گاه گاه دو پهلو به نفع طالبان و پاکستان سخن می گفتند و بعضی ها را یک اندازه گیج کرده بود، اما مردم افغانستان به تجربه خود دریافته اند که این حرف ها و وعده های حیل گرانه و دام تزویر چیز تازه ای نبوده، همه شاهدیم که رهبران تنظیم ها و طالب ها و حامیان خارجی شان از چهل سال بدین سو گاه گاهی امید کاذبی بر دل ملت آواره و جنگ زده افغان ایجاد کرده اند، ولی در نتیجه جز شدت عملیات تروریستی و جنگ چیزی به بار نیاورده اند.** اکنون دیگر نه تنها مردم افغانستان بلکه همه دولت ها و مردم آگاه جهان می دانند که رهبران دولت امریکا قصد و نیت ختم جنگ و صلح واقعی و دایمی را در افغانستان نداشته و گرنه دولت امریکا به خوبی می داند که حامیان گروه طالبان و دیگر گروه های تروریستی چه کسانی اند و در پشت سر آنها کدام دولت ها قرار دارند، معلوم است که اساساً سه دولت نهایت فاسد و جنگ طلب همانا پاکستان، عربستان سعودی و ایران هستند.

باید گفت: بعد از درگیری های جنگ دوم جهانی صدای استقلال خواهی مردمان تحت استعمار انگلیس بیشتر از هر وقت دیگر بلند شد که بسیاری از کشورها با حمایت نسبی دولت امریکا به این حقوق حقه شان نایل گردیدند از جمله مبارزات استقلال طلبی مردم هندوستان دولت انگلیس را واداشت که به صورت کج دار و مریز و جنجال برانگیز به استقلال سر زمین هندوستان تن

دهد اما با چنان ترفند و تزویری آن کشور پهناور را بر اساس صبغه دینی منجر به تجزیه نمود تا هرگاه خواسته باشد با استفاده از اختلافات میان مردمان و زمام داران کشورهای مذکور شر اندازی کرده و از آن به نفع خویش بهره برداری نماید.

با این هدف موضوع تجزیه هندوستان را پیش کشید و تحت رهبری محمد علی جناح بین هندوها و مسلمانان به اختلافات دامن زده شد که با جنگ ها و جنایات بیشمار در نتیجه فیصله بعمل آمد که هر جا جمعیت مسلمان ها بیشتر باشد در تحت تشکیل کشور پاکستان دولتی به میان آید و هر جا جمعیت هندوها زیاد باشد تحت تشکیل دولت هندوستان باقی بماند. چنانکه در سال ۱۹۴۷ همین طور شد و کشوری به نام پاکستان از پیکر هند جدا گردید که بعداً میان مسلمانان پاکستان غربی و شرقی در اثر اختلافات و در فاصله یکهزار میل جنگ های دیگری درگرفت و کشور دیگری به نام بنگله دیش از پاکستان غربی جدا شد.

از آن زمان تاکنون باز هم رهبران دولت پاکستان رام و راضی نشده، زیر نام کشمیر خواهی به فعالیت های تروریستی علیه هند دامن زده که سه بار منجر به جنگ بزرگ و تلفات و خسارات وسیع را برای هر دوطرف به بار آورده است. بدین گونه دولت پاکستان با اطمینان از حمایت دولت انگلیس و امریکا که پیمان هایی با این دو کشور بسته دولت مذکور با چشم پوشی از هر اولویت و نیازهای مبرم مردمش کوشیده در دامن زدن به بنیاد گرایی اسلامی و راه اندازی عملیات تروریستی و جنگ افروزی در جهت دشمنی با هند و در موضوع مناقشه خط دیورند با افغانستان، تا امروز به حیات فلاکت بار تاریخی اش ادامه دهد و هیچگاه حاضر نشده در صلح و روابط مسالمت آمیز در منطقه بسر برد.

دولت امریکا با درک همه جانبه که اشارتاً در بالا بعمل آمد متأسفانه در مدت هژده سال جنگ های تحمیل شده از سوی پاکستان که در نتیجه دوهزار و پنجمصد نفر امریکایی و صد ها میلیارد دالر مصارف نظامی و غیر نظامی را متحمل شد، ولی دولت امریکا بجای فشار لازم از جمله تعزیرات اقتصادی بر دولت پاکستان در عوض میلیاردها دالر به آن کشور باج پرداخته است و از آنجائیکه در سال ۲۰۲۰ انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیش روست و دونالد ترامپ در انتخابات گذشته به مردم امریکا به مردم وعده داده بود که هرگا پیروز شود به جنگ در افغانستان خاتمه داده و نیروهایش را از آنجا به کشور بر می گرداند، به این خیال عوام فریبانه خلیل زاد را قبل از فشار لازم بر منشاء فعالیت های تروریستی یعنی بر پاکستان در یک موقعیت ضعیف خود در افغانستان و قدرتمند بودن طالبان، زلمی خلیل زاد را به حیث نماینده وزارت خارجه تعیین نمود تا راجع به صلح در افغانستان با سران طالبان در دوحه پای تخت قطر وارد مذاکره شده که به خیال خود شان پس از نتیجه دل خواه از آن در تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ استفاده نمایند.

اما با آنکه خلیل زاد هرچه زور زد و تپ و تلاش نمود و بار بار به پاکستان، هندوستان، انگلستان، روسیه، چین و غیره سفر کرده و مذاکره نمود مگر چیزی بدرد خور بدست نیاورد و نتیجه اش آن شد که در یک لحظه رئیس جمهور ترامپ آن «صلح خلیل زاد با طالبان» را رد و به دور اندازد، گرچه از آغاز معلوم بود که مذاکره در چنین شرایطی کاری است بی ثمر و بیهوده اما در صورتی که فشار های اقتصادی لازم از سوی دولت امریکا بر پاکستان تحمیل می شد که آن دولت ناگزیر می گردید از فعالیت ها و حمایت گروه های تروریستی واقعاً دست بکشد، نیروهای دولت افغانستان در حدی از رزمندگی و شجاعتی بودند و هستند که می توانستند در هر کجای افغانستان گروه های تروریستی را محاصره و سرکوب نمایند. چون همواره دیده شده که طالبان پس از انجام هر حمله مهم بلا معطلی برای نجات از ضربات نیروهای دولت افغانستان به سرعت به سوی پایگاه های اصلی شان به کوپته میرانشا و جا های دیگر زیر نفوذ و حمایت دولت پاکستان فرار کرده و در آنجا پناه برده اند.

در این فرصت پرسش اساسی از دید افغان ها این خواهد بود که با «توافق نامه صلح» که هیچ پایه و اساس منطقی عملی نداشت و از آن در جهت صلح هیچ چیز استنباط نمی شد بلکه صرف به امریکایی ها اجازه می داد که از جمع چهارده هزار قوایش از پایگاه هایش در خاک افغانستان پنج هزار نفر همراه تجهیزات به امریکا برگردد.

با این حال نماینده بی کفایت امریکا با شناخت از دولت پاکستان، طالبان، داعش و دیگر گروه های تروریستی و دولت های حامی شان می دانست که به کدام نتیجه مفید و مثبت نخواهد رسید بلکه با مذاکره استهزا آمیز خود بیش تر از پیش آنها و حامی

شان را گستاخ تر و خشن تر به عملیات جنایت بار و میدارد، چرا به اربان خود گذارش نداد و نخواست به مذاکره بی سر انجام پایان داده و باعث شرم ساری خود و رئیس جمهور ترمپ نشود. خلاصه اکنون که خوش بختانه فیصله مذکور در حد به اصطلاح نهایی رد شده است باید در انتظار بود و دید که بار دیگر قصر سفید چه سیاست و تصمیمی در زمینه اتخاذ خواهد نمود؟ پایان

\*\*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان راهنمایی شوند.

جناب خلیل زاد، «توافق نامه صلح» شما، تزویر بود نه صلح!  
barez\_naym\_mozakerat\_solh\_tazwir\_bood.pdf

